



### طلیعه سخن

بس نکته با تو گویم شاید ندیده باشی تا دسته دسته نرگس زین باغ چیده باشی یکی از استادان حوزه (حجة الاسلام محمد وحیدی) می فرمود: روزی به حضور یکی از دوستان صمیمی و قدیمی حضرت امام خمینی علیه السلام رسیدم و از او پرسیدم «شما که آن همه مدت با حضرت امام بوده اید، رمز موفقیت ایشان را در چه چیزهایی می دانید؟» آن دوست دیرینه امام فرمودند: «یکی از رموز موفقیت حضرت امام علیه السلام در انجام دادن کوچکهای بزرگ بود؛ یعنی حضرت امام کارهای خوبی را که نزد دیگران کوچک به نظر می آمد، بزرگ می دانستند و آنها را انجام می دادند و به کوچک بودن آنها توجهی نمی کردند، بلکه به خوب بودن آنها نظر داشتند.»

ما، مبلغان، نیز باید از این سلوک اخلاقی - عرفانی حضرت امام - طاب ثراه -

الگو بگیریم و از آن در برنامه‌ها و فعالیتهای تبلیغی خویش استفاده کنیم. بدین منظور، ۲۰ ریزه کاری تبلیغی را به قلم آورده‌ایم تا اگر خوب و مقبول به نظر آمدند، به ریز و کوچک بودن آنها نظر نکنیم و البته خود به نیکی از سروده لسان الغیب شیرازی نیز آگاهیم:

صالح و طالح متاع خویش نمودند      تا که قبول افتند و که در نظر آید  
شایان توجه است که اگر واقعی تلخ باشد، بیان آن واقعیت نیز به تلخی  
می‌گراید، ولی نیت و هدف این قلمزن، چیزی جز سخن مولوی نبوده است:  
زان حدیث تلخ می‌گویم تو را      تا ز تلخی ما فرو شویم تو را  
البته این سخن فراز مند و گرانسنگ امام حسین علیه السلام را که شاید کم‌تر به آن توجه داشته‌ایم، در سراسر این نوشتار، فراوی خویش قرار دهیم:

«من دلائل العالم انتفاذه لحدیثه...»<sup>۱</sup> از نشانه‌های انسان دانشور این است که سخن خویش را به نقد کشد...» ما نیز در نقد رفتار تبلیغی خویش - اگر نقدی به قلم آورده‌ایم - به این سخن امام حسین علیه السلام اقتدا کرده‌ایم؛ که «كُلُّ الْخَيْرِ فِي بَابِ الْحُسَيْنِ». ۱. استاد قرآنی - حفظه الله - می‌فرمود: «هنگامی که در ایام تبلیغ و یا جز آن امام جماعت می‌شوید، از مَهرهای چند ضلعی، مانند مربعی و مستطیلی شکل و نه گرد و دایره‌ای شکل استفاده کنید؛ زیرا یک بار امام جماعتی از مَهر گیرد و دایره‌ای شکل در نماز جماعت استفاده می‌کرده است. هنگام بلند شدن از سجده، مَهر به پیشانی او می‌چسبد و سپس بر زمین می‌افتد و به علت گرد بودن، به حرکت در می‌آید و از او فاصله می‌گیرد و در نتیجه، بدون مَهر می‌شود.»

۱. تحف العقول، ابن شعبه خزّانی، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۴۸.

۲. همیشه پنج چیز کوچک را همراه خود داشته باشیم و به تناسب و در موارد نیاز به هر کدام، از آنها استفاده کنیم:

یک. عطر؛

دو. شانه؛

سه. آینه؛

چهار. دستمال (کاغذی یا غیر کاغذی)؛

پنج. مهر و تسبیح؛

این قلمزن، یکی از دفعاتی که متأسفانه قبل از سخنرانی، در آینه نگاه نکرده و خود را ندیده و به سمت محل سخنرانی رفته بود، متوجه شد که عمامه خویش را بر سر نگذاشته و با عبا و قبای بدون عمامه به طرف محل سخنرانی در حال حرکت است. حال اگر وی بعد از سخنرانی، از این موضوع آگاه می شد، چه قدر جالب انگیز مَندناک (!) می شد.

۳. دو تن از مبلغان روحانی در تلویزیون گفته اند که تاکنون چندین نفر از بینندگان بر نامه های ما نامه نوشته و به ما تذکر داده اند که زیر بغل قبای شما پاره شده است، چرا آن را نمی دوزید؟ حتی یکی از بینندگان، نخ و سوزنی را در پاکت نامه گذاشته و برای ما فرستاده و گفته است که با این نخ و سوزن، زیر بغل قبای خود را بدوزید.

با توجه به این نکته و آگاهی نداشتن برخی مردم از علت بهداشتی نادوخته گذاشتن این قسمت از قبای مبلغان، پسندیده تر است که یا به طور کلی و یا حداقل در هنگام تدریس و سخنرانی در تلویزیون، از قباهایی استفاده کنیم که زیر بغل آنها دوخته شده باشد.

۴. یکی از چیزهایی که تمرکز حواس مخاطب را از بین می‌برد، تکیه کلامی مبالغه‌آمیز است. مانند «در واقع»، «عارضم به حضور شما» و «حقیقتاً» است. فی‌المثل، به سخن در پی آمده بنگریم که گوینده آن به چه مقدار تکیه کلام «در واقع» را در آن به کار برده است: «در واقع باید به شما عرض کنیم که آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام در واقع بهترین و بیش‌ترین دعوت‌کننده به سوی عدالت‌گستری در جامعه هستند، ولی در واقع این خود ما هستیم که گاه مانع عدالت‌گستری در جامعه می‌شویم و زمینه بی‌عدالتی در بین مردم، در واقع به دست خود ما فراهم می‌شود.»

بدین جهت، باید هر گونه تکیه کلامی را که مانع تمرکز حواس مخاطب می‌شود، از سخنان خویش حذف کنیم. برای این کار می‌توانیم به نوار و لوح فشرده سخنانمان گوش دهیم یا از کسی بخواهیم که با شرکت کردن در جلسات تدریس و سخنرانی‌هایمان تکیه کلامی ما را یادداشت و به ما گوشزد کند.

۵. اگر تلفن همراه داریم، صدای زنگ آن را به گونه‌ای انتخاب کنیم که با شخصیت تبلیغی و موقعیت اجتماعی و صنفی ما متناسب باشد. گاه دیده می‌شود که تلفن همراه برخی از مبلغان به گونه‌ای زنگ می‌خورد که صدای آن واقعاً در شأن آنان نیست و بلافاصله جلب توجه می‌کند و نگاه اطرافیان را به سوی خود خیره می‌نماید.

۶. در هنگام تدریس و سخنرانی، به همه شاگردان و شنوندگان خود نگاه کنیم. مثلاً نگاه نکردن به نیمی از مخاطبان، می‌تواند به معنی آن باشد که این عده را در تدریس و سخنرانی خویش در نظر نیاورده و به آنان توجه نکرده‌ایم و از نظر «روانشناسی شخصیت»، به شخصیت پنجاه درصد از مخاطبان خود احترام

نگذاشته‌ایم.

فراموش نمی‌کنم که در جلسات درس یکی از استادان شرکت می‌کردم. در همان جلسات آغازین تدریس، متوجه شدم که آن استاد فقط به شاگردان سمت راست خود نگاه می‌کند. همین امر باعث شد که در جلسات بعدی، از نشستن در سمت چپ استاد خود داری کنم و به سمت راست ایشان، نقل مکان نمایم. شایان گفتن است که در آغاز و برای این که بتوانیم به همه مخاطبان و شنوندگان خویش نگاه کنیم، چه بسا که ممکن است به تمرین و ممارست نیاز داشته باشیم.

۷. در ایام میلاد، لباس روشن بپوشیم و چهره‌ای شاد و متبسم داشته باشیم و در ایام وفات و شهادت، لباس تیره بر تن کنیم و چهره‌ای اندوهناک داشته باشیم؛ زیرا همان گونه که هر گلی بویی دارد، هر رنگی نیز تأثیری دارد، به طوری که امروزه موضوع و بحثی با عنوان «روان‌شناسی رنگها» مطرح و کتابها و مقالاتی در این زمینه نوشته شده است.

۸. از نظر تَن صدا به صورت یکنواخت و کسل‌کننده سخن نگوییم؛ بلکه به تناسب موضوع و مطلب، گاه صدای خود را بالا ببریم و به اوج رسانیم و گاه پایین آوریم و به فرود کشانیم؛ البته نه آنچنان فریاد برآوریم و گوش خراش سخن بگوییم که شنوندگانمان را آزرده خاطر سازیم و نه آنچنان آهسته سخن بگوییم که آنان را در شنیدن و فهمیدن سخنانمان به زحمت اندازیم.

۹. در هنگام تبلیغ و تا آن جا که می‌توانیم، آداب اجتماعی را رعایت کنیم، حتی اگر بسیار کوچک و جزئی به نظر آیند؛ زیرا گاه همین امور کوچک و جزئی هستند که امور بزرگ و مهم را تحت الشعاع خود قرار می‌دهند و تأثیرات شگرفی بر آنها

می‌گذارند. مثلاً انگشت کردن در بینی و نگرفتن دست در جلوی دهان به هنگام خمیازه کشیدن، از مصادیق رعایت نکردن آداب اجتماعی است که انجام دادن مصداق اول از سوی مُدَرّسی، یک بار باعث شده بود که همه مخاطبان خود را از دست بدهد.

۱۰. از انجام دادن حرکات و کارهای یکنواخت و تکراری در هنگام تبلیغ خود داری کنیم؛ زیرا انجام دادن این گونه امور، موجب از دست دادن توجه مخاطب به ما می‌شود و حتی ممکن است موجب اعصاب خردی وی گردد. بازی کردن دائم با تسبیح و محاسن خود، بالا و پایین کردن عینک و به جلو آوردن و به عقب بردن عمامه به طور مرتب، زدن انگشتها یا دستها بر هم و به شکلی خاص و به صورت مکرر، نمونه‌هایی از این امر است.

۱۱. به مخاطبان خود کاملاً احترام بگذاریم و در گفتگو و مخاطبه و رویایی با آنان، تا آن جا که می‌توانیم از کلمات و جملات محترمانه و مؤدبانه استفاده کنیم. فی‌المثل، به جای اینکه بگوییم: «از همه کسانی که قدم رنجه کردند و به این مجلس آمدند، تشکر می‌کنم»، چنین بگوییم: «از همه کسانی که قدم رنجه فرمودند و به این مجلس تشریف آوردند، تشکر می‌کنم.»

۱۲. جز در مواردی که ممکن است استفاده از بوی خوش برای خود ما یا اطرافیان ما زیان یا اشکال داشته باشد، حتماً در هنگام تبلیغ عطر بزنیم و خوشبو باشیم. خوشبویی از چیزهایی است که بر مخاطب، تأثیری خوشایند می‌گذارد و شخصیت ما را در نگاه او ارتقا می‌دهد و فراتر می‌برد.

۱۳. در هنگام تبلیغ و جز آن، کفشهای خود را واکس بزنیم و با کفشهای کیف و خاکی به تبلیغ نپردازیم و تصویری منفی و نامطلوب در قاب دیدگان مخاطبانمان

نشانیم.

آیه الله امامی کاشانی نقل می‌کند: «در نجف اشرف که در خدمت حضرت امام بودیم، ایشان همیشه نعلینهای خود را واکس می‌زدند و آن قدر خوب واکس می‌زدند که نعلینهای ایشان برق می‌زد.»<sup>۱</sup>

۱۴. به کارگیری بعضی از شوخیها و لطیفه‌ها و حتی برخی از کلمات و تعابیر در شأن ما، مبلغان، نیست و شایسته است - اگر نگوییم که بایسته است - آنها را در تبلیغ و تدریس و سخنرانی بر زبان نیاوریم. یکی از مبلغان در سخنرانی خود و به مناسبتی، کلمه «خر» را بر زبان آورده بود. مقام معظم رهبری - مدظله العالی - پس از شنیدن این کلمه در سخنرانی آن مبلغ، به او تذکر داده بودند که از این گونه کلمات در سخنرانیهایتان استفاده نکنید؛ البته «تو خود، حدیث مُفَصَّل بخوان از این مجمل».

۱۵. اگر تلفظ درست کلمه‌ای و به ویژه کلمات خارجی را نمی‌دانیم و در آن شک داریم، بهتر است که روزه شکدار نگیریم و عطایش را به لقایش ببخشیم و از به کارگیری آن در تبلیغهای خویش خودداری ورزیم؛ زیرا ممکن است که آن کلمه را به صورت درست تلفظ نکنیم و با این کار، شأن و آبروی علمی - تبلیغی خود را زیر سؤال ببریم و لکه‌ای سیاه رنگ را بر بوم نقاشی زیبای سخنرانی مان بریزیم. مثلاً یکی از سخنوران، بدون تحقیق و دقت و به اشتباه، کلمه «کِنْدی» را که نام یکی از فیلسوفان بوده است، به صورت «کِنْدی» تلفظ کرده است که نام یکی از رئیس جمهورهای آمریکاست.

۱. سرگذشتهای ویژه از زندگی حضرت امام خمینی علیه السلام، ج ۶، ص ۳۰.

۱۶. برخی از چیزها - خواسته و یا حتی ناخواسته - توجه مخاطبانمان را به خود جلب می‌کند و چه بسا که ما را در دام ریا و خودنمایی و بزرگ‌نمایی گرفتار سازد. مثلاً گرفتن تسبیح دانه درشت به دست و گذاشتن چهار انگشتر رنگین درشت و از جنسهای گوناگون و به رنگهای مختلف و در دو انگشت دست راست و دو انگشت دست چپ، ممکن است که توجه مخاطبانمان را کاملاً به خود جلب کند. بدین رو، بکوشیم که از این بزرگ‌نماییها و خودنماییهای ناخواسته و یا (خدای ناکرده) خود خواسته جداً پرهیزیم.

۱۷. بسیار مواظب باشیم که بدن و به ویژه زیر بغل و جورابه‌های ما - بر اثر عرق و جز آن - بدبو و رمانده نباشند و این‌گونه امور، بین ما و مخاطبانمان فاصله ایجاد نکنند.

۱۸. همیشه ساعت خود را پنج دقیقه و یا حتی بیش‌تر، جلو نگه داریم تا به موقع در جلسات تدریس و تبلیغ و سخنرانیهای خویش حاضر شویم. یکی از مبلغان، حدود پانزده سال است که به این نکته عمل می‌کند و آثار و فواید خوبی برای خود به ارمغان آورده است. شما نیز می‌توانید همین الآن، ساعتتان را پنج دقیقه و یا بیش‌تر به جلو ببرید و اگر در آینده، اثر مذکور و مانند آن را مشاهده کردید، در حق‌گوینده آن نیز دعای خیری بفرمایید.

۱۹. در هنگام سخنرانی و به ویژه در هنگام تدریس، تلفن همراه خویش را خاموش کنیم و از پاسخ دادن به تلفن‌کننده خودداری ورزیم، حتی به این مقدار هم که بخواهیم به تلفن‌کننده بگوییم در حال سخنرانی یا تدریس هستیم، از پاسخ دادن پرهیزیم؛ زیرا هنگامی که بنا نداریم به تلفن‌کننده پاسخ دهیم، چه لزوم و فایده‌ای دارد که رشته سخن را در برابر شرکت‌کنندگان که گاه تعدادشان نیز بسیار



است، قطع کنیم و به تلفن کننده بگوییم که در حال سخنرانی یا تدریس هستیم و از پاسخ دادن به وی معذوریم. گویند شخصی در حال خواندن نماز بود و زنگ تلفن همراه وی به صدا درآمد. گوشی را برداشت و به تلفن کننده پاسخ داد: «در حال خواندن نماز هستم. بی زحمت پنج دقیقه دیگر به من زنگ بزنید (!)»

۲۰. در فروشگاه‌های لوازم التحریر، دفترچه‌های کوچکی برای یادداشت مطالب وجود دارد که از قسمت افقی و نه عمودی آنها سیمی شده‌اند. یکی از این دفترچه‌ها و یک قلم را همواره به همراه خود داشته باشیم تا اگر زمانی - از جمله پیش از خواب که گاهی نکته‌های جالبی به ذهن ما خطور می‌کند و معمولاً پس از بیدار شدن، فراموشمان می‌شود - به نکته یا مطلب جالبی برخورد کردیم، بلافاصله آن را یادداشت کنیم و سپس در تبلیغ، از آن استفاده نماییم. این قلمزن، یک بار در اطلاعیه‌ای بر دیوار، دو بیت زیرین درباره‌ی امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را مشاهده کرد و بلافاصله آن را نوشت و بارها و بارها در برنامه‌های تبلیغی خویش - از جمله در همین جا و همین الآن - از آن استفاده کرده است:

چه روزها که یک به یک غروب شد، نیامدی چه اشکها که در گلو رسوب شد، نیامدی  
تمام طول هفته را در انتظار جمع‌ام دوباره صبح، ظهر، نه؛ غروب شد، نیامدی

در شبهای بارانی انتظار

التماس دعای بسیار